



سیمای عفاف در گستره آیات الهی

شاهرخ محمدبیگی *

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۴/۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۶/۲۵

چکیده:

هدف از این مقاله بررسی موضوع عفاف و انسان عفیف در قرآن کریم است. به عبارت دیگر اعمال انسانی در قرآن مجید مهر قبول خورده که روش زندگی خود را برپایه عفاف قرار دهد و در نتیجه از پاداش دنیوی و اجر اخروی هم برخوردار می‌گردد. البته این تحقیق به روش کتابخانه‌ای است که از منابع اسلامی و از اشعار ادبای فارسی زبان استفاده شده است.

در این تحقیق به این نتیجه دست می‌یابیم که عفاف در قرآن معنای گسترده‌تری از حجاب دارد و ابعاد آن در پندار، گفتار و هم کردار انسان مؤمن نمایان می‌گردد که مهم‌ترین موارد آن عبارت است از: ۱. انفاق به فقراء و مؤمنین مجاهد عفیف‌النفس، ۲. رعایت عفاف و عدم سوءاستفاده از سرمایه یتیمان، ۳. استعفاف جوانان مؤمن، ۴. استعفاف زنان مؤمن و در حقیقت استعفاف از نشانه‌های انسانی است که دارای قلب سلیم هستند.

واژگان کلیدی: ازدواج، استعفاف، انفاق، حجاب، عفاف و یتیم.

مقدمه

بود پارسایی کلید بهشت

خنک آن کسی را که او پارساست

«ناصر خسرو» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۶۴۵)

در ادیان الهی به‌ویژه در دین اسلام در مورد تقوا یعنی نگهداری انسان از خود و خانواده و جامعه در راه خدا تأکید فراوان شده است که یکی از نتایج آن پارسایی و عفت نفس مؤمن است که در آیاتی از قرآن به صراحت از آن یاد شده است.

در آیات قرآن ۴ بار مشتقات عفاف به صراحت به کار رفته

است که دو بار از بعد اقتصادی و دو بار دیگر آن بعد نفسانی

است، که عبارتند از:

از بُعد اقتصادی } آیه ۲۷۳، بقره (۲)
آیه ۶، نساء (۴)

از بُعد نفسانی } آیه ۳۳، نور (۲۴)
آیه ۶۰، نور (۲۴)

شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۲۶۴) ولی منافاتی با عمومیت مفهوم آیه ندارد و از این آیه می‌توان چنین بهره برد که یکی از بهترین مصادیق انفاق کمک و یاری به مجاهدین فی سبیل الله است؛ یعنی کسانی که حاضرند به خاطر پیشرفت دین اسلام از وطن خود هجرت نموده تا قوانین الهی بر زمین حاکم شود. همچنین از این آیه چنین برداشت می‌شود: کسانی می‌توانند مهاجر فی سبیل الله باشند و راه را تا پایان آن ادامه دهند که از عزت نفس و یا به تعبیر قرآن حالت «تعفف» برخوردار باشند.

تعفف را می‌توان «خودداری کردن، حفظ نفس از بجا آوردن

اعمال بد و اموال حرام و اخلاق ناپسند» معنا کرد.

همانطور که راغب «العَفَّة» را این چنین معنا کرده است:

«پدید آمدن حالتی است در نفس که آدمی را از غلبه شهوت باز

می‌دارد» (قریب، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۰۹).

ترک دنیا و شهوت است و هوس

پارسایی، نه ترک جامه و بس

«سعدی» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۶۴۵)

بحث انفاق از عبادات مهم اسلامی است و یکی از ارکان تقوا

است و موجب بهره‌مندی از هدایت قرآنی می‌شود، همانطور که

در ابتدا سوره بقره چنین آمده است:

الذین یؤمنون بالذکر الذی انزلنا علیک و الذین یؤمنون

بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون و الذین یؤمنون بما

انزل الیک و ما انزل من قبلک و بالاخره هم یوقنون» (بقره/۴-۱).

الف، لام، میم. این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ

تردیدی نیست؛ [و] مایه هدایت تقواپیشگان است: آنان که به

غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه، به ایشان

روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند؛ و آنان که بدانچه به سوی تو فرود

آمده، و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می‌آورند؛ و به

آخرت یقین دارند(فولادوند، ۱۳۷۳: ۲).

که این پنج رکن اساسی عبارتند از:

۱. ایمان به غیب، ۲. اقامه نماز، ۳. انفاق، ۴. ایمان به کتب

الهی، ۵. ایقان به آخرت. که نتیجه آن هدایت و افلاح است:

«ولئنک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون» (بقره/۵)

آنهایند که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها

همان رستگارانند.

۱. عفاف و انفاق

یکی از مواردی که قرآن به صراحت از آن یاد می‌کند، انفاق

به مجاهدین فی سبیل الله است که به خاطر عزت نفس و طبع بلند

نیاز خود را اظهار نمی‌کنند:

«للفقراء الذین احصروا فی سبیل الله لایستطیعون ضرباً

فی الارض یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفف تعرفهم بسیماهم

لایسألون الناس الحافاً و ما تنفقوا من خیر فان الله به علیم»

(بقره/۲۷۳)

«تقدیم نفقه و یا تعهد مخارج باید برای آن فقیرانی باشد که

در راه خدا به تنگنا و محدودیت وا مانده‌اند، چرا که استطاعت

مالی و جانی ندارند که برای تحصیل روزی به سفر بروند. در

اثر عفاف و بی‌رغبتی که از خود نشان می‌دهند جاهل بی‌خرد

تصور می‌کند که سیر و بی‌نیازند. می‌توانی آثار تنگدستی را در

چهره بی‌فروغ آنان بخوانی. با اصرار و سماجت از مردمان چیزی

نمی‌طلبند. شما هرگونه خیراتی که در راه خدا تقدیم کنید

خداوند جهان به آن دانا است» (یهبودی، ۱۳۶۹: ۴۵).

اگرچه شأن نزول این آیه درباره اصحاب صفه است(مکارم

که بحث مبسوط انفاق در سوره بقره از آیه ۲۶۱ تا ۲۷۴ آمده است که به قول شهید مطهری (ره) همانطور که نماز بعد «خودسازی» مکتب ما است و انفاق بعد «جامعه‌سازی» مکتب ما است (مطهری، ۱۳۵۹: ۶۷) که البته انفاق به شرطی عبادت به حساب می‌آید که دارای شرایط زیر باشد:

۱. قربه الی الله باشد و جنبه ریا نداشته باشد.

۲. انفاق از طیبات باشد.

۳. بعد از انفاق منتهی در کار نباشد.

۴. بعد از انفاق اذیتی در کار نباشد.

عفاف و سرپرستی یتیمان

دومین آیه‌ای که در قرآن به صراحت راجع به عفاف است در سوره نساء ذکر شده است: «وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم و لاتأکلوها اسرافاً و بداراً ان یکبروا و من کان غنیاً فلیستعفف و من کان فقیراً فلیأکل بالمعروف فاذا دفعتم الیهم اموالهم فاشهدوا علیهم و کفی بالله حسیباً» (نساء/۶) شما باید ایتام خود را همراه تربیت کنید و مشاغل اجتماعی را به آنان تعلیم دهید و در عین حال رشد آنان را به آزمون بگذارید. تربیت و تعلیم و آزمون باید همراه ادامه یابد تا آن روز که پا به مرحله بلوغ جنسی بگذارند پس اگر بلوغ جنسی با رشد اقتصادی و اجتماعی همراه شد اموال آنان را به دست خودشان بسپارید مبدا ایتام را با زیاده‌روی در مخارج به مصرف برسانید که قبل از بلوغ آنان به آخر برسد: آنان گدا شوند و شما هرچه بیشتر به کامیابی رسیده باشید. هر کس از مال یتیم بی‌نیاز باشد باید عفت نگه دارد و چیزی به نام حق کفالت برداشت نکند و هر کس فقیر و نیازمند باشد حق دارد به نحو شایسته و مقبول جامعه از مال ایتام تناول کند و آنگاه که مال یتیم را به او تحویل می‌دهید باید گواهی بر سر آنان حاضر کنید و در حضور آنان حساب خود را تصفیه نمایید، در حسابرسی وجدان شما حاکم است و همین کافی است که خداوند جهان را بر حسابرسی مراقب و ناظر بدانید» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۷۶).

که در این آیه به سرپرستان یتیمان می‌فرماید: اگر غنی هستید عفت را پیشه کنید و از مال یتیم چیزی برنارید و اگر فقیر هستید چون سرپرستی یتیم و اموال او را به عهده دارید

در حد متعارف از آن استفاده کنید و قصدتان بیشتر حفظ اموال یتیم باشد تا بهره‌مندی و یا حیثاً سوء استفاده از آن اموال.

پارسا شو تا بباشی پادشا به آرزو

کارزو هرگز نباشد پادشا بر پارسا

«ناصر خسرو» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۶۴۵)

در آیات قرآن توجه خاصی به یتیمان شده است و از ابعاد

مختلف به ایتام و مسئله حفظ اموال آنان و یاری و مساعدت به آنها مطرح است، از جمله:

۱-۲. احسان به ایتام

بعد از مسئله توحید و احسان به والدین، توجه و احسان به

یتیمان مطرح است.

«واعبدوا الله و لاتشکرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی و المساکین و الجار ذی القربی و الجار الجنب و صاحب الجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم ان الله لایحب من کان مختالاً فخوراً» (نساء/۳۶)

شما باید خدا را پرستید و فرمان او را ببرید و هیچ کس و هیچ چیز را در پرستش و اطاعت انباز او مسازید شما باید با پدر و مادر احسان کنید و از آن پس به آن کسی احسان کنید که با شما قرابت و خویشی دارد و با یتیمان و از کارافتادگان و همسایه صاحب قرابت و همسایه بیگانه و همسایه پهلویی و درمانده در راه و با بردگان و کنیزان خود، مبدا احسان خود را با کبر و افاده همراه کنید، که خداوند جهان مردان پرافاده را دوست نمی‌دارد. گرچه از خصال نیک انسانی برخوردار باشند (بهبودی، ۱۳۶۹: ۸۳).

از آیات دیگری که به این معنا توجه دارد عبارتند از: بقره/۸۳، بقره/۱۷۷، بقره/۲۱۵.

و عدم توجه به یتیمان نشأت گرفته از بی‌ایمانی فرد است: ارایت الذی یکذب بالذین فذلک الذی یدع الیتیم (ماعون/۲-۱) آن کسی که دین خدا را دروغ می‌شمارد و روز جزا را تکذیب می‌کند می‌شناسی؟ کسی که یتیم را از خانه خود بیرون می‌اندازد (بهبودی، ۱۳۶۹: ۶۱۰).

و خداوند به پیامبر (ص) که خود یتیم بوده، می‌فرماید یتیم را از خود مران (رجوع شود به آیات ۶-۹، سوره ضحی) و انسانی که از تربیت اسلامی بی‌بهره باشد اکرام به یتیم را فراموش می‌کند (رجوع شود به آیات ۱۷-۱۵، سوره فجر).

۲-۲. اصلاح امور یتیمان

در آیات قرآن راجع به اصلاح امور یتیمان هم به طور عام و هم به صورت خاص توجه شده است از جمله اینکه:

و يسألونك عن اليتيمى قل اصلاح لهم خير و ان تخالطوهم فاخوانكم و الله يعلم المفسد من المصلح» (بقره/۲۲۰) «می پرسند که ایتم را به چه صورت باید اداره نمایند. بگو اصلاح امور و اداره معاش آنان به صورت مجزا بهتر است و اگر آنان را به جمع خود بیاورید و با هم یکجا و یک خرج شوید باید آنان را به منزله برادر خود بدانید و از دلسوزی و مرز برادری خارج نشوید. خداوند جهان خرابکار مفسد را از رفیق مصلح باز می شناسد و حساب آن دو را خلط نمی کند» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۳۴).

از جمله مواردی که اصلاح امور یتیمان به طور خاص ذکر شده عبارت است از:

الف) ایتام اموال یتیمان

در آیات متعددی به این مطلب اشاره شده است که اموال یتیمان را به آنان بدهید (رجوع کنید به آیه ۲ نساء) و به اموال آنان به قصد سودجویی نزدیک نشوید (رجوع کنید به آیه ۱۵۲ انعام و آیه ۳۴ اسراء) تا جایی که خوردن مال یتیم در حقیقت خوردن آتش بیان شده است:

«ان الذین يأكلون اموال الیتامی ظلماً انما يأكلون فی بطونهم ناراً و سیصلون سعیراً» (نساء/۱۰) «به یقین کسانی که مال ایتام را با سیه کاری می خورند آتش دوزخ را در شکم جای می دهند به زودی رستاخیز عمومی که بر پا شود، اینان در برابر آتش فروزان کباب می شوند» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۷۷).

ب) اطعام یتیمان

یکی از مواردی که در قرآن نسبت به آن تحریض شده اطعام یتیمان است، که این کار از صفات ابرار ذکر شده است:

«و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمأً و اسیراً. انما نطعمکم لوجه الله لانرید منکم جزاء و لاشکوراً» (انسان/۸-۹) خوراک خود را با میل و اشتهایی که بدان دارند به مسکین و اسیر و یتیم می خوراندند. شعارشان این است که ما به خاطر خدایمان شما را اطعام می کنیم و از شما پاداشی نمی خواهیم انتظار سپاسی و شکرانه هم نداریم» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۵۸۷).

و این کار راحتی در روزهای سخت فراموش نمی نمایند و

به وسیله این عمل گردنه کمال انسانیت را طی می کنند (رجوع شود به آیه بلد ۱۶-۱۱).

همه پارسایی نه روزه است و زهد

نه اندر فزونی نماز و دعاست

«ناصر خسرو» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۶۴۵)

ج) ازدواج با دختران یتیم

در ازدواج با دختران یتیم باید توجه داشت که حقی از آنان تضییع نشود (رجوع شود به آیه ۱۲۷ نساء).

«و ان خفتم الاتقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء...» (نساء/۳) «درست است که شما حق دارید با دختران یتیمی که در کفالت شما به سر می برند ازدواج کنید و کابین ازدواج را مانند میراثشان نزد خود نگه دارید و با قید ضمانت به کار تجارت بپردازید، ولی باید مراقب باشید که حق آنان به عنوان حق یتیم ضایع نگردد. اگر می ترسید که ازدواج با دختران یتیم شما را به سوی تضییع حقوق آنان سوق دهد دختران یتیم را به همسری مگیرید؛ بلکه خانمهایی را به همسری بگیرید که بالغ باشند و بتوانند حقوق خود را بر شما حلال سازند» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۷۶).

د) اداره زندگی ایتام فقیر

از مواردی که جایز است از اموال عمومی خرج نمود اداره زندگی ایتام فقیر و نیازمند است:

«ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول ولذی القربى و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم» (حشر/۷)

«آنچه را که خداوند جهان به این صورت که گفتیم از کافران آبادیها به رسول خود بازگرداند مانند مصرف خمس ویژه خداوند است و رسول خداوند و آنکه با رسول خدا صاحب خویشی باشد و ایتام آنان و بیکارانشان و درماندگان در راهشان تا این گونه اموال میان دولت‌مندان شما دست بدست نچرخد» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۵۵۳).

البته باید توجه داشت که «عموم فقهای اهل سنت و مفسران آنها معتقدند که این مسئله تعمیم دارد در حالی که روایاتی که از طریق اهل بیت (ع) رسیده است در این زمینه مختلف می باشد، از بعضی استفاده می شود که این سه سهم نیز مخصوص یتیمان

همین لحاظ زن مؤمن یا مرد مؤمن باید سعی کند که در انتخاب این لباس، تقوی را اولین معیار قرار داده و دیگر محسنات همسر را در درجه بعد قرار دهد که:

«لباس التقوی ذلک خیر» (اعراف/۲۶)

و این معنا در آیاتی از قرآن به صراحت آمده است که ملاک ازدواج ایمان و اعتقاد به اسلام است (رجوع نمایید به آیه ۲۵ سوره نساء و آیه ۱۰ ممتحنه) و در مقابل از ازدواج با انسان‌های مشرک که فساد عقیده و انسان‌های زناکار که فساد اخلاق دارند نهی شده است (رجوع نمایید به آیه ۲۲۱، بقره و آیه ۳ سوره نور).

یکی از عوامل مهم حفظ دین و ایجاد عفاف در جامعه اسلامی تشویق و ترغیب به ازدواج است که پیامبر (ص) گفته است:

من تزوج فقد احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الباقی:

کسی که همسر اختیار کند نیمی از دین خود را محفوظ داشته و باید مراقب نیم دیگر باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۴: ۴۶۳). و این تشویق و ترغیب نباید فقط جنبه زبانی داشته باشد؛ بلکه باید بزرگان هر قوم و فامیل در این کار پیش قدم باشند یعنی مقدمات ازدواج را برای جوانان خود مهیا نمایند.

«وانکحوا الایامی منکم» (نور/۳۲) «مردان و زنان بی همسر را همسر دهید» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۴: ۴۵۶).

که فقیر بودن آنها را مانعی برای ازدواج به حساب نیاورند که این سنت الهی است که خداوند به زندگی آنان برکت می‌دهد.

«ان یکونوا فقراء یغنیهم الله من فضله و الله واسع علیم» (نور/۳۲) «اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد، خداوند واسع و آگاه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۴: ۴۵۶).

مصادق این کار در خود قرآن داستان حضرت شعیب (ع) است که زمانی که تشخیص می‌دهد حضرت موسی (ع) جوان صالحی است خود پیشنهاد ازدواج یکی از دخترانش به او می‌دهد:

«قال انی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین...» (قصص/۲۷) «پیر مدین به موسی گفت: من میل دارم که یکی از این دو دختر خود را با تو تزویج کنم» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۳۹۶).

دیگر اینکه برای ایجاد عفاف و سلامت جامعه باید از لحاظ فرهنگی راهکارهایی اندیشه شود که ازدواج مجدد زنان بیوه تشویق و ترغیب شود و به این امر به دیده مثبت نگریسته شود.

و مستمندان و ابن السبیل بنی‌هاشم است، در حالی که در بعضی از روایات تصریح شده که این حکم عمومیت دارد. از امام باقر (ع) چنین نقل شده که فرمود:

کان ابی یقول لنا سهم رسول الله و سهم ذی القربی و نحن شرکاء الناس فیما بقی: سهم رسول خدا و ذی القربی از آن ما است و ما در باقیمانده این سهام با مردم شریکیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲۳: ۵۰۵).

و این سنت الهی است که یتیمان، به ویژه آنان که پدران آنان افراد صالحی بوده‌اند، از رحمت الهی بیشتر و بهتر برخوردار گردند که به عنوان شاهد مثال می‌توان به داستان دو یتیم در داستان موسی (ع) و خضر (ع) اشاره کرد (کهف/۸۲).

۳. عفاف در ازدواج

سومین آیه که در قرآن به صراحت راجع به آن یاد شده است، در سوره نور می‌باشد:

«ولیستعفف الذین لایجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله» (نور/۳۳)

«و آن کسانی که خرجی ازدواج ندارند باید عفت به خرج بدهند و پاکی و طهارت خود را حفظ کنند و صبر کنند تا خداوند رحمان از مازاد رحمت خود آنان را بی‌نیاز کند و بعد از آن به امر ازدواج بپردازند» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۳۶۲).

ولیکن تو آن می‌شمر پارسا

که باطن چو ظاهر ورا با صفاست
«ناصر خسرو» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۶۴۵)

یکی دیگر از موضوعاتی که در رابطه با عفاف باید مورد بررسی قرار گیرد مسئله نکاح و ازدواج است که پیامبر (ص) گفته است:

«النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» (المجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ۲۲۰) و یا «النکاح سنتی فمن رغب عنه فقد رغب عن سنتی» (همان، ج ۲۲، ۱۸۰).

در آیات قرآن رابطه زن و مردی که با هم ازدواج کرده‌اند تعبیر به لباس شده است:

«هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره/۱۸۷)

یعنی زن و مرد باید موجب حفظ و زینت یکدیگر باشند، به

و پاکی نزدیکتر است به یقین خداوند رحمان به هر کاری که سازمان بدهید خبیر و با اطلاع است» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۳۶۱).

باید توجه داشت کسانی می‌توانند به این آیه عمل نمایند که اهل نماز و یا به تعبیر قرآن از مصلین (رجوع نمایند به آیه ۱۸-۳۴، معارج) باشند (محمدبیگی، ۱۳۷۴، شماره ۶: ۹۸) که ان

الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر (عنکبوت/۴۵)

همانطور که توجه دارید در این ابتداء به مردان مؤمن دستور عفاف و حجاب داده شده و بعد از آن در آیه بعد به زنان مؤمن:

«قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن

و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن» (نور/۳۱) به زنان مؤمن بگو که چشمهای خود را از نظر

دوختن به زیر دامن دیگر فرو بخوابانند و از دامنهای خود نیز مراقبت به عمل آورند که چشم دیگران حتی بانوان به زیر دامن

آنان نیفتد و زینت ساق خود را که گرده ماهیچه‌ها است از زیر دامن برون نکنند مگر آنچه خود به هنگام راه رفتن آشکار شود

و باید روسری خود را به زیر گلو محل گریبان گره بزنند و یا سنجاق کنند...» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۳۶۱).

اگر پارسا باشد و رأی زن

یکی گنج باشد برآکنده زن

«فردوسی» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۶۴۴)

به این ترتیب دیگر نیازی نیست که به این دستورالعمل باباطاهر عمل نماییم:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیش ز فولاد

زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

(وشنوی، ۱۳۹۲: ۱۰۰)

حجاب برای حفظ و احترام زنان مؤمن است و با رعایت حجاب وارد اجتماع شدن بعدی از تقوا است که تقوا موجب

مصونیت است نه محدودیت (مطهری، ده گفتار، ۱۳۸۹: ۱۵).

«یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین

علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله

غفوراً رحیماً» (احزاب/۵۹) «ای پیامبر به همسران و دختران و

خانمهای مؤمنان بگو هنگام خروج از منزل از جامه‌های چادری

«ولاجنح علیکم فیما عرضتم به من خطبه النساء...»

(بقره ۲۳۵)

بر شما حرجی نیست که با رمز و کنایه از خانمهای بیوه:

شوهر مرده و یا طلاق گرفته خواستگاری نمایید...» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۳۷).

و از کتبی که می‌تواند راهگشای این مبحث باشد می‌توان

کتاب ارزشمند «نظام حقوق زن در اسلام» نوشته استاد شهید مرتضی مطهری را نام برد که با مطالعه آن «زنان روشن بین

مسلمان» «شخصیت واقعی خود را بازیابند» (مطهری، نظام

حقوق زن در اسلام، ۱۳۵۷: ۲۸۰) و زمینه را برای گسترش هر چه بیشتر و بهتر عفاف و اخلاق فراهم سازند.

۴. عفاف و حجاب

چهارمین آیه‌ای که به صراحت مسئله عفاف را یادآوری کرده،

در سوره نور راجع به حجاب و پوشش زنان است.

«والقواعد من النساء اللاتی لایرجون نکاحاً فلیس علیهن

جناح ان یضعن ثیابهن غیر متبرجات بزینة و ان یتعففن خیر لهن و الله سمیع علیم» (نور/۶۰)

«و آن خانمهایی که از خونریزی ماهیانه مأیوسند و امیدی

به نکاح همسر و بستر شوهر ندارند. بر آنان حرجی نیست که

از خانه خارج شوند و شنل خود را از دوش بر زمین بگذارند با

این شرط که برای خودنمایی و ارائه لباس فاخر و جامه بر زرق و

برق خود بیرون نیامده باشند، و با وجود این رخصت چه بهتر که

جویای عفت شوند و کمتر با اجنبی سخن بگویند خداوند رحمان

سخن مردم را می‌شنود و به راز دل‌هایشان آگاه است» (بهبودی،

۱۳۶۹: ۳۶۶).

اولین مرحله عفاف برای مؤمنین کنترل و حفظ چشم است

به عبارت دیگر حجاب درونی و قلبی اولست؛ بعد از آن حجاب برونی و ظاهری.

«قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک

ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون» (نور/۳۰). به مردان مؤمن

بگو که چشمهای خود را از نظر دوختن به زیر دامن دیگران فرو

بخوابانند و از دامنهای خود نیز مراقبت به عمل آورند که چشم

دیگران به زیر دامن آنان نیفتد، این شیوه برای مؤمنان به طهارت

در پایان از خداوند می‌خواهیم که با خواندن دعای حضرت ابراهیم (ع) در هر روز و شب و استجابت آن، به قلب سلیم دست یابیم که از ثمرات آن عفاف در سه بعد پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک است:

«و لا تخزنی یوم یبعثون. یوم لاینفع مال و بنون. الا من اتی الله بقلب سلیم.» (شعراء/۸۷-۸۹)

«و روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند رسوایم مکن: روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد، مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد» (فولادوند، ۱۳۷۳: ۳۷۱).

نتیجه‌گیری

قرآن کریم نسبت به موضوع عفت نفس انسان مؤمن اهمیت بسیاری قائل شده است و این مطلب از دو بعد اقتصادی و نفسانی مورد توجه قرار گرفته است. از بعد اقتصادی می‌توان موضوعات زیر را ذکر کرد:

الف) انفاق به فقرایی که به خاطر عفت نفس، تنگدستی خود را اظهار نمی‌کنند.

ب) انسانهای غنی در هنگام سرپرستی یتیمان، استعفاف را پیشه خود سازند و از اموال آنها چیزی به نفع خود برندارند.

و نیز در قرآن مجید از بعد نفسانی این موضوعات مد نظر قرار گرفته است: الف- رعایت استعفاف برای جوانان مؤمنی که هنوز وسایل ازدواج برای آنها فراهم نشده است. ب- رعایت غضب و بصر و حجاب اسلامی و متین سخن گفتن از راههایی است که می‌توان به استعفاف رسید. در پایان می‌توان گفت استعفاف یکی از نشانه‌های قلب سلیم می‌باشد.

خود جامه‌ای بزرگ بر دوش بگیرند و بر تن بپوشند. این جامه بزرگ به شناسایی آنان بهتر کمک می‌کند تا معلوم شود که این خانم‌ها اجازه تماس با بیگانگان را ندارند و نباید مورد آزار دیگران قرار بگیرند. خداوند رحمان آمرزنده و مهربان بوده است که راه خطاکاری شما را مسدود کرده است (بهبودی: ۴۳۲).

به قول شاعر:

ای زن به تو از فاطمه اینگونه خطاب است

ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است

فرمان خدا قول نبی نص کتاب است

از بهر زنان افضل طاعات حجاب است

(وشنوی، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

و برای رعایت عفاف در قرآن سه وقت به عنوان مرز و زمانی برای استراحت در نظر گرفته شده که حتی بچه‌های نابالغ باید در موقع ورود به اطاق اجازه بگیرند:

«... من قبل صلوه الفجر و حین تضعون ثیابکم من الظهیرة

و من بعد صلوه العشاء...» (نور/۵۸) هنگام سحرگاهان که قبل از نماز فجر است و شما لباس خواب بر تن دارید. هنگام نیم‌روز که جامه‌های خود را در اثر گرما از تن برآورده بر زمین می‌گذارید و هنگام خواب شب که بعد از نماز عشا به خوابگاه خود وارد می‌شوید (بهبودی، ۱۳۶۹: ۳۶۵).

از کتبی که به موضوع حجاب و حدود و موارد آن محققانه پرداخته است. کتاب «مسئله حجاب» استاد شهید مطهری (ره) است که مطالعه آن را به برادران و خواهران ایمانی توصیه می‌نمایم.

۵. عفاف و گویش

و از موارد دیگر عفاف، متین صحبت کردن است تا بیمار دلان،

افکار بد به دلشان نقش نبندد:

«... ان اتقیتن فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

و قلن قولاً معروفاً» (احزاب/۳۲) «اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد، و گفتاری شایسته گویند» (فولادوند، ۱۳۷۳: ۴۲۲).

به گیتی بجز پارسا زن مجوی

زن بدکنش خواری آرد بروی

«فردوسی» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۶۴۴)

- منابع**
- بهبودی، محمدباقر. (۱۳۶۹). معانی القرآن (ترجمه و تفسیر قرآن). تهران: نشر خانه آفتاب.
 - دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
 - عبدالباقی، محمد فؤاد. (۱۳۶۴ق). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. القاهرة: دارالکتب المصریه.
 - فولادوند، محمد مهدی. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن مجید. تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
 - قریب، محمد. (۱۳۶۶). فرهنگ لغات قرآن. تهران: بنیاد.
 - المجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت:

- موسسه الوفا.
- محمدبیگی، شاهرخ. (۱۳۷۴). سیمای نماز در گستره آیات الهی. شیراز: فصلنامه فرهنگ فارس، شماره ۶.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۹). آشنایی با قرآن (سوره‌های حمد، بقره). قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۸ق). ده گفتار. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۴۷). مسئله حجاب. تهران: نشریه انجمن اسلامی پزشکان.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). نظام حقوق زن. قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۲-۱۳۵۲). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- وشنوی، قوام‌الدین. (۱۳۹۲ق). حجاب در اسلام. ترجمه احمد محسنی گرگانی. قم: معارف اسلامیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی